**در رثای انقلاب اسلامی و امام شهدا و بهاری که در پیش است**

**بسمه تعالی**

ای شمایی که یاری‌تان برایم مهم است! در این امر دشوار راهنمایم باشید که چگونه برای خشنودی آن‌هایی که رسالت جهانی هدایت مردم را زیر سایه مهدویت به عهده دارند، کاری کرده باشیم و آنان ما را نیز در زمره خود بپذیرند. هر چند تا امروز به لطف الهی کارها جلو رفته است ولی حقایق و مفاهیمی بس والا باید در میان آید تا مردم متوجه رخداد بزرگ انقلاب اسلامی در این دوران بشوند و قلب خود را با آن تسلی بخشند که شهدا و امام شهدا چه سرود بزرگی را سرودند! سرودی که هرگز در غرقاب فراموشی فرو نمی‌افتد. نغمه‌هایی که هر روز بهتر از روز قبل به گوش می‌رسد و گوش آیندگان را حتما بهتر نوازش می‌دهد از آن جهت که زندگی زیر سایه انقلاب اسلامی و یاد شهدا چه اندازه زیبا است. آیا همه متوجه این تاج افتخار که با گذشت زمان هر روز گرانمایه‌تر می‌شود، هستیم؟

امام شهدا و شهیدانِ امام هر آنچه از دستشان می‌آمد برای آینده‌ای بس قدسی به کار بستند تا زندگی پی در پی به مقصد اصلی خود نزدیک و نزدیک‌تر شود و ما دنیایی را به مردم جهان نشان دهیم که همه‌ی آن‌ها معنای دیگری از زندگی را دنبال کنند. همان زندگی را که در فطرت‌هایشان به دنبال آن هستند ولی به خطا آن زندگی را در کتاب‌ها و یا در ثروت اندوزی و یا میهمانی های اشرافی جستجو می‌کنند- آنجایی که مردها برای دیدن و زن ها برای دیده شدن می‌آیند-

در این دنیا ما برای چه پا به کوهسار زندگی گذاشته‌ایم؟ آیا برای پسند افتادن در چشم دیگران این همه دردسر لازم است؟ یک دم جرأت باید کرد و به این دوران سهمگین فکر نمود تا فرشته‌ای الهام‌بخش به میان آید و با ما از چیزهای تازه‌ای بگوید تا زندگی زیر سایه انقلاب اسلامی را کم نشماریم و جهان را در ژرفای دل خود از نو بسازیم تا بشریت به تاریخ حضور در انقلاب اسلامی که هدیه خداوند است آشنا شود و در این راستا است که دل‌های پژمرده به نشاط می‌آیند و راه‌های باریکِ تاریکِ زندگی به زیورهای امید پررنگ و تابناک می‌گردند.

چه کسی با زندگی خود راه شهیدان را توان پاس داشتن دارد و خانواده‌های آنان را به آینده‌ای که آینده راه شهدا است، دلگرم می‌کند؟

زندگی سراشیبی نرمی است که انسان‌ها را به اراده الهی جلو می‌برد، مگر آن کس که به تقدیر الهی راضی نباشد که در آن حال غم و یأس فرا می‌رسد و زندگی، با پوچی پایان می‌یابد.

در دریای زندگی هرکس سهمی دارد هرچند او نداند. مشکل از آنجا شروع می‌شود که انسان‌ها به سهم خود راضی نگردند و حقیقت خود را با خیالات واهی آشفته کنند. ما نیاز به آینده‌ داریم ولی نه به تابلوهای نقاشی که از زندگی معنای توهمی ترسیم کرده‌اند. باید به تماشای حقیقت خود در زندگی ادامه می‌دهیم. در این حالت است که هر کس حقیقت خود را در برادر مومن خود می‌یابد، به حکم «المومن مرات المومن». در جامعه ایمانی هر کس آیینه‌ای می‌شود برای برادر خود تا خود را در آینه او ببیند نه آن‌که افراد وسیله فریب دیگران شوند و آرزوهای ناگشودنی را برای همدیگر ترسیم نمایند.

انقلاب اسلامی کانون به خودآمدن جوانانی شد که در دل شعله‌های بر افروخته شده توسط دشمنان خدا و انسانیت سوختند تا زنده بمانند و غمی عمیق که زیباترین غم در دنیا بود را بر جان ما و مادران‌شان و همسران و فرزندان خود گذاشتند و ما با بهاری تازه باز به آن سال های حماسه و آتش و خون برمی‌گردیم و در حسرت آن روزها می‌سوزیم و برای رسیدن به اهداف بزرگ خود هرگز سستی به خود راه نمی‌دهیم. راستی را! اگر آن راه را ادامه ندهیم ما در این دنیا به چه کار می‌آییم؟ چگونه از دوزخ دنیا به سوی بهشت حرکت کنیم، اگر راهی را که شهدای ما طی کردند پاس نداریم؟

خداوند به حکم «فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ» هرگز حاصل کار آن سلحشوران سراسر معرفت و بصیرت را بی نتیجه نمی‌گذارد. مسلم نتایج کار شهدا و امام شهدا بیش از پیش به صحنه خواهد آمد و بهار عالم دیگری ظهور می‌کند. حال ماییم و استقبال از بهار سراسر پر طراوت آن عالم و یا پشت نمودن به آن و به خزان حرف‌های کهنه گذشته مشغول بودن در حالی که در چنین خزانی هیچ سخن منطقی برای گفتن نداریم.

چرا در زندگی زیباترین‌ها و شادی آفرین‌‌ها را انتخاب نکنیم؟ تا ما نیز در آخرین پیام زندگی، سرودی همچون سرود امام شهدا داشته باشیم که فرمود :«با دلی آرام و قلبی مطمئن و روحی شاد و ضمیری‏‎ ‎‏امیدوار به فضل خدا از خدمت خواهران و برادران‏‎ ‎‏مرخص، و به سوی جایگاه ابدی سفر می کنم.»

راستی را! او این دل آرام و ضمیر امیدوار را از کدام دیار به دست آورد؟ سرچشمه چنین احوالاتی را در کدام راه و در کدام جهان باید دنبال کرد؟

آن مرد! آن مردِ مردها! توانست راه را در مسیر ایمان به خدا و کفر به طاغوت، آری کفر به طاغوت، پیدا کند. زیرا مرزهای دلنواز عشق با نیروی تنفر از طاغوت گشوده می‌شوند.

آیا ما را توان این هست که در این راه از زیر بار مسئولیت سهمگین این انقلاب شانه خالی کنیم در حالی که بهاری در پیش است؟ بهار حضور در جهانی که رهبر معظم انقلاب در پیام نوروزی خود نوید آن را دادند و آن راست‌ترین نوید این تاریخ است در بهاری که در پیش است.

با تبریک فراوان. طاهرزاده